

## A Review of Article "Alms-giving" in Encyclopedia of the Quran

Seyed Abdolrahim Hosseini\*

Seyyed Mohammad Musavi Moqaddam\*\* Omolbanin Soleymani Baghshah\*\*\*

### Abstract

Leiden Encyclopedia of the Quran is the newest comprehensive research work in the West about the interpretive studies of the Quran accomplished from 2000 to 2006 by the Chief Editor, Jane Dammen McAuliffe, in the city of Leiden in the Netherland and published by Brill Publishers. The article Zakat (alms-giving) written by a researcher named Azim Nanji has been published in the first volume of the Leiden Encyclopedia of the Quran (pp. 64 - 70). The most important issues and themes that have been criticized and reviewed in the view of the authors of the article include the essence and the constitutive elements of sadaqah (charity), the ideal donation and its aspects in the view of the Holy Quran, the relationship between piety and donation, the synonymous concepts of sadaqah, the status and the aspects of sadaqah, the semantics and the conditions for the payment of zakat, and the process of formation of the institution of sadaqah and its distribution. The above-mentioned issues, while focusing on the original and valid sources in the two perspectives of unfinished, biased perceptions and presenting a different and undocumented interpretation of the teachings of the Islamic traditions, interpretation, and the clear texts of the Quran, have been critically reviewed with a look on their different aspects

**Keywords:** Alms-giving, Charity, Leiden Encyclopedia of the Quran

---

\* Associate Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Farabi Campus, University of Tehran, Iran, abd.hosseini@ut.ac.ir

\*\* Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran (Corresponding Author), sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

\*\*\* MA in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Osul Al-Din, Qom, solymaniomolbanin12@gmail.com

Date received: 2020-08-19, Date of acceptance: 2021-01-02

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بررسی مقاله "زکات" از دایرةالمعارف قرآن لیدن

سید عبدالرحیم حسینی\*

سید محمد موسوی مقدم\*\*، ام البنین سلیمانی باغشاه\*\*\*

### چکیده

دایرةالمعارف قرآن لیدن (Encyclopedia of the Quran) جدیدترین اثر جامع پژوهشی در غرب در حوزه مطالعات قرآنی و تفسیری است که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶م با سرویراستاری خانم دکتر جین دمن مک‌اولیف (Jane Dammen McAuliffe) در شهر لیدن (Leiden) هلند انجام گرفته و توسط انتشارات بریل (Brill) منتشر شده است. مقاله "زکات" (Alms-giving)، نوشته‌ی پژوهشگری به نام عظیم نانجی، در جلد اول دایرةالمعارف قرآن لیدن در صفحات ۶۴ تا ۷۰ به چاپ رسیده است. این مقاله برغم کوشش نویسنده ایرادات بنیادین مواجه است مهم‌ترین مباحثی که در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند، چیستی صدقه، ایده‌آل بخشش از نگاه قرآن، رابطه پرهیزکاری و بخشش، مفاهیم مرادف صدقه، شئون و جهات صدقه، معنائشناسی زکات، و روند شکل‌گیری نهاد تولیت امر صدقه است، که ضمن تأکید بر منابع اصلی از دو نظرگاه برداشت‌ها و خوانش‌های ناتمام نویسنده و ارائه تفسیری غیرمستند و متفاوت از آموزه‌های متون اسلامی و نصوص قرآنی، مورد بررسی انتقادی قرار گرفته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** زکات، صدقه، دایرةالمعارف قرآن لیدن

\* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، abd.hosseini@ut.ac.ir

\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

\*\*\* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، قم، solymaniomolbanin12@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

## ۱. مقدمه

اخبار و روایات وارده در فضیلت و فواید صدقه، بسیار است؛ مانند اینکه صدقه سبب زیادی رزق، شفای بیماریها، دوری از آتش جهنم، دفع هفتاد بلا در دنیا، طولانی شدن عمر و... می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۵۷). حتی زکات، که یک نوع صدقه است، از ضروریات دین دانسته شده و منکر آن از کفار شناخته شده است (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲/ص ۵). نظر به اهمیت فوق‌العاده این سنت نועدوستانه برای جوامع بشری - به گونهای که دوام آن موجب نجات طبقاتی از جوامع انسانی می‌شود که در اثر فقر و عدم دسترسی به اولیات زندگی مدنی در معرض خطر انقراض نسل هستند - غالب مستشرقان، به ویژه در دوره معاصر، نهاد صدقه در جامعه اسلامی را مدلی موفق از سنن اقتصادی دانسته و کوشش نموده‌اند در قالب کتب و مقالات دایره‌المعارفی، به معرفی این قانون الهی به جوامع امروزی مبادرت ورزند. اگرچه گامهای برداشته شده از اهمیت و جایگاه علمی و تحقیقاتی برجسته‌ای برخوردارند، اما به رغم کوششهای صورت یافته، کاستیها و نقایص جدی و غیرقابل چشم‌پوشی آشکار است؛ چرا که مستشرقان نوعاً به لحاظ عدم دسترسی کافی و لازم به منابع و عدم دسترسی زبانی و بیانی در تفسیر نصوص دینی اسلامی از یک‌سو، و مبادرت عجولانه به برخی تحلیلها و قرائتها از سوی دیگر، گرفتار داوری ناتمام و بعضاً متناقض در تفسیر مفاهیم اساسی اسلامی شده‌اند. مقاله "زکات" دایره‌المعارف قرآن لیدن از مصادیق بارز این تفسیر ناتمام است، که نظر به جایگاه آن در این کاوش علمی مورد نقادی قرار گرفته است.

## ۲. ترجمه مقاله

صدقه هدایای خیرخواهانه جهت کمک به فقرا میباشد. همانطور که در آموزه‌های دیگر ادیان و خصوصاً در سنن کتاب مقدس به آن اشاره شده و قرآن نیز مکرراً به ارزش اخلاقی بخشش اشاره کرده است. هرچند واژه صدقه ممکن است تا حدی عمل خیرخواهانه ساده و پیشپاافتاده‌ای در برابر فقرا را به ذهن متبادر کند، اما قرآن با استفاده از واژگان متعددی خصوصاً صدقه و زکات، درباره آن سخن گفته است، مفهومی بسیار باارزش و جامع که در آن مفاهیم مهربانی، عدالت اجتماعی، مشارکت و تقویت اجتماع آورده شده است.<sup>[۱]</sup>

بررسی مقاله "زکات" از دایرةالمعارف قرآن لیدن ... (سیدعبدالرحیم حسینی و دیگران) ۱۵۳

این عمل به عنوان یک عامل اصلاحکننده (تقویتکننده) اجتماع به شمار میرود و مزایای معنوی نیز دربردارد؛ ارزشهای معنوی و اخلاقی که در کنار مفاهیمی چون ثروت، دارایی، منابع و فعالیت داوطلبانه در یک محیط فردی یا اجتماعی قرار میگیرند. واژه صدقه در زندگی مسلمانان دارای مفهومی جامع و در بطن زندگی روزمره آنها است. ایدهآل نگاه قرآنی در به اشتراک گذاشتن داراییهای فردی از طریق بخشش سه صورت دارد:

۱. تلاش های مادی و معنوی دو مقوله ی جدا در نظر گرفته نمیشوند و به دیگر سخن، مفاهیم اعتقادی و مذهبی در زندگی روزمره دنیوی به چشم میخورد.
۲. ماهیت، هدف و عملکرد مسلمانان در یک جامعه اسلامی به عنوان بهترین امت ها در راستای انجام اعمال نیک و مبارزه با پلیدیها قرار میگیرد (آل عمران، ۱۱۰).
۳. جمعآوری دارایی و ثروت و پاسخگویی در قبال نحوه افزایش آنها.<sup>[۲]</sup>

این نگاه قرآنی در میان دیگر دیدگاههای قرآنی به عنوان پایه ای برای تعریف اسلامی بخشش و اهمیت اخلاقی آن شناخته میشود. مثل آنچه که فیلسوف مسلمان، «فضل الرحمان» (۱۹۱۹-۱۹۸۸)، در توصیف مفاهیم اخلاقی اصلی موجود در قرآن بیان میکند، به طوری که در نظر وی هدف اصلی (و نه هدف فرعی یا حاشیهای) اسلام،<sup>[۳]</sup> وجود نظم جهانی است که دستورات و اصول راه را برای اصلاح زمین هموار میکند (مفاهیم کلیدی در قرآن، ۱۸۲-۱۸۳).

«کلیفورد گیتز» در مقاله ای درباره بررسی مفهوم قرآنی «حق» در معنی واقعیت یا حقیقت، به این نکته اشاره می کند که در آموزه های اسلامی واژه «حق» معادل واژه «واقعیت» آمده است (Local Knowledge 189).

عده ای دیگر از دانشمندان غربی فعال در حوزه تمدن اسلامی نیز، از قبیل «مارشال هادسن» به این نکته اشاره کرده اند. بر اساس قرآن حق حاکمیت حقیقی از آن خداوند، پیامبر و جانشینان وی، اعضای جامعه و یا حتی حکومتی می باشد که به گونه ای عمل می کند که در آن چنین ایده آل هایی به ظهور می رسند. در چنین جوامعی افرادی وجود دارند که مورد تصدیق خداوند هستند و آنها امانت دارانی هستند که نگرش مادی و معنوی قرآن نسبت به زندگی فردی و اجتماعی توسط آنها محقق می شود. بنابراین آنها باید خود را در قبال راهی که مال و ثروت خود را هزینه کرده اند، پاسخگو بدانند و آنچه آنها را از نظر مذهبی شایسته می سازد، هزینه کردن این ثروت در راستای منافع اجتماعی است. قرآن با

توجه به توانایی‌ها و دارایی‌های متفاوت افراد بر وحدت اجتماعی تأکید و افراد را به عدالت و بخشش توصیه می‌کند (نحل، ۹۰).

از نگاه قرآنی، پرهیزکاران واقعی کسانی هستند که از دارایی‌هایشان جهت کمک به دیگران استفاده می‌کنند (حدید، ۱۸) و افراد مال‌اندوز تقبیح شده‌اند (بقره، ۱۸۰).

در نظر گرفتن بخشی از ثروت برای رفع نیازمندی دیگران و همچنین لزوم و ارزش بخشش در قرآن با واژه‌هایی آمده است که گاهی به جای هم به کار می‌روند و مهم‌ترین آنها صدقه و زکات هستند. اصطلاحات دیگری نیز جهت اشاره به مفهوم بخشش به کار رفته‌اند. غالباً از «نفقه» (خرج کردن) در جایگاه فعلی به عنوان هزینه کردن مال و ثروت در جهت جلب رضایت پرودگار استفاده می‌شود (برای مثال بقره، ۲۶۵). «خیر» واژه‌ی دیگری است که در قرآن به کار رفته و مفهوم احسان و بخشش داوطلبانه را می‌رساند. همچنین از افراد جامعه خواسته شده تا به خدا قرض الحسنه بدهند تا خداوند از سر بخشایندگی چند برابرش را به آنها بازگرداند (بقره، ۲۴۵).<sup>[۴]</sup> از آنجائی که مالک حقیقی خداوند است، بخشش بشر عملی برای بازگرداندن دارایی‌ها به مالک اصلی آنها محسوب می‌شود.

### ۳. صدقه

با توجه به این که واژه صدقه و صورت‌های مختلف آن در دیگر متون مذهبی و حقوقی آنها به بخشش داوطلبانه - نه اجباری - اشاره می‌کند، زکات و صدقه در مفهومی وسیع در قرآن به کار رفته‌اند. در واژه‌نگاری زبان عرب ریشه "صدق" مفاهیم زیادی را دربردارد که مفاهیمی چون درستی و تقوا را با خود دارند. در آیات قرآن کلمات مشابهی چون الصدیق (صادق، یوسف، ۴۶) که برای توصیف حضرت یوسف به کار رفته و یا الصدیق (دوست مورد اطمینان، نور، ۶۱)، این ویژگی ممتاز را نشان می‌دهند.<sup>[۵]</sup> امروزه نظر پژوهشگران فعال در حوزه نقد آن است که ریشه کلمه «صدق» از کلمه‌ی عبری «صداقا» (به معنای صدقه) است و این موجب شده تا برخی کارشناسان آن را یک واژه قرضی به حساب بیاورند (نک: واژگان بیگانه). استفاده از واژه صدقه در موقعیت‌های مختلف در قرآن سبب شده تا مفاهیمی کلیدی از مساله بخشش نشأت بگیرند. آیات ۵ - ۱۰۴ سوره مبارکه «توبه» پذیرش توبه توسط پرودگار (نک: توبه و پشیمانی) را به صدقه ارتباط می‌دهد و ارزش آن را به عنوان کفاره گناهان مطرح می‌کند. در آیاتی از قرآن بر این مسأله تأکید بیشتری شده است و صدقه در کنار روزه در عوض انجام وظایفی که برعهده زائر خانه خدا

است و به دلیل بیماری یا علل دیگر نتوانسته آنها را انجام دهد، قرار می‌گیرد(بقره، ۱۹۶). (نک: حج).<sup>[۶]</sup>

بخشش همچنین این امتیاز معنوی را به صدقه‌دهندگان که در پی رضای خداوند هستند، می‌دهد(نک: بقره، ۲۷۲). چنین تلاشی به دنبال حبّ خداوند می‌آید(، ۸) و امکان دارد امری همگانی یا فردی باشد(بقره، ۲۷۴). بر طبق قرآن آنان که برای رضایت خدا صدقه می‌دهند، به خواسته‌ی خود خواهند رسید(روم، ۳۹). یک کاربرد جالب صدقه همان است که در اصطلاح تفسیری(تفسیر) آیه نجوی نامیده می‌شود(آیات النجوی، مجادله، ۱۲) که امر می‌کند قبل از صحبت با پیامبر[صلی الله علیه و آله و سلم] صدقه داده شود. این امر نشان می‌دهد که صدقه هم کفاره‌ای برای گناهان گذشته و ابراز احترام در نظر گرفته می‌شود و هم حرکتی برای تشخیص ارزش‌های مجسم شده توسط پیامبر[صلی الله علیه و آله و سلم] است که به افراد سخی به عنوان الگویی برای سایر پیروان اسلام نگریسته می‌شود.

بر طبق قرآن سخن همراه با شفقت بهتر است از صدقه‌ای که با بی‌احترامی داده شود(بقره، ۲۶۳). صدقه حتماً نباید هدیه‌ای با ارزش مالی باشد، بلکه شامل فعالیت‌های داوطلبانه(توبه، ۷۹) و یا کلام خوش(بقره، ۲۶۳) نیز می‌شود.<sup>[۷]</sup> بهتر است صدقات به صورت پنهانی و نه آشکارا با هدف جلب تمجید دیگران، به فقرا داده شوند(بقره، ۲۷۱).<sup>[۸]</sup> قرآن رفتار آن دسته از افرادی را که هدفشان از بخشش تظاهر و خودنمایی است و باعث می‌شوند تا سخاوتمندی ایشان به عنوان رفتاری ناشی از خودخواهی تعبیر شود، نقد می‌کند(بقره، ۲۶۴).<sup>[۹]</sup>

آیه ۱۲ سوره مجادله آشکارا بیان می‌کند که قرآن در صدد است چهار چوبی جامع هم برای آن دسته از افراد که از عادات مرسوم در جامعه عرب آن زمان مزیت‌هایی نصیبشان می‌شده است و هم برای حمایت مالی از نیازمندان جامعه ترسیم نماید.<sup>[۱۰]</sup> صدقه به عنوان کمک به مهاجرانی(نک: انصار و مهاجرین) که از مکه به همراه پیامبر هجرت کردند، و همچنین به عنوان ابزاری تشویقی در جهت پیوستن دیگران به جامعه مسلمین برای کمک به مسلمانان در جنگ با اهالی مکه به شمار می‌رفت.

در آیه ۶۰ سوره مبارکه «توبه» افراد مستحق دریافت صدقه را معرفی می‌کند، نیازمندان، مساکین (عاجزان)، متصدیان جمع‌آوری و پخش صدقات، متمایل کردن غیر مسلمانان، آزادی بندگان، بدهکاران، مسافری و نیز فی سبیل الله.<sup>[۱۱]</sup> آیه ۲۷۳ سوره بقره مفهوم

گسترده‌ای از صدقه را در بردارد که نه تنها شامل فقرا، بلکه شامل افرادی می‌شود که در ظاهر فقیر نیستند، اما با این وجود جهت ارتقاء سطح زندگی‌شان از طریق اشتغال و تقویت وضعیت اقتصادی به صدقه نیاز دارند.<sup>[۱۲]</sup> هرچند یکی از جنبه‌های پرداخت صدقه بهبود وضعیت زندگی فقرا و نیازمندان است، اما باید توجه داشت که هدف جامع‌تری نیز وجود دارد که شامل بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه عمومی افراد یک جامعه در حال توسعه می‌باشد.

#### ۴. زکات

به لحاظ ریشه‌شناسی زکات از واژه «زکی» به مفهوم تزکیه و خلوص مشتق شده است.<sup>[۱۳]</sup> قرآن به صراحت زکات را در کنار دیگر مسائل اعتقادی بنیادی آورده و به این مسأله اشاره می‌کند که پرهیزکاری فقط شامل چرخاندن صورت به چپ و راست نمی‌شود، بلکه پرهیزکار کسی است که به خدا، روز رستاخیز، فرشتگان، کتاب آسمانی و پیامبران ایمان دارد و مال خود را با وجود علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، مسافران (یادداشت: منظور در راه ماندگان است)، سائلان و بردگان می‌دهد و نماز برپا می‌دارد و زکات می‌دهد (بقره، ۱۷۷).<sup>[۱۴]</sup>

فعل «زکی» مفهوم رشد و توسعه را دربردارد که از طرفی سبب پالایش فرد و دارایی او و از طرف دیگر با به اشتراک گذاشتن دارایی‌ها سبب بهبود وضعیت دیگر اعضای جامعه می‌شود. به طور اخص این نوع بخشش از نگاه قرآن به باغی حاصلخیز تشبیه شده است که بارش باران‌های فراوان سبب افزایش محصول آن می‌شود (بقره، ۲۶۵).

با این نگرش زکات مورد تأکید قرار گرفته است، به طوری که در اکثر موارد از آن به عنوان عملی عبادی یاد شده است. دین حقیقی و پایدار در پرستش خدا، فرمانبرداری محض، پرهیزکاری، عبادت و پرداخت زکات خلاصه شده است (بینه، ۵). حضرت ابراهیم و دیگر پیامبران از جمله حضرت عیسی به پیروانشان دستور پرداخت زکات را می‌دادند (مریم، ۳۱؛ انبیاء، ۷۳).

از آن جایی که یکی از اهداف سنن مذهبی به طور کلی برقراری و به منصفه ظهور رساندن وحدت اجتماعی است، پرداخت زکات می‌تواند یک نماد بارز از تعهد اشخاص به ارزش‌های مذهبی و اجتماعی در یک جامعه اسلامی در حال توسعه محسوب شود. در دو عید مذهبی مهم مسلمین، عید فطر و عید قربان، که توسط پیامبر اکرم بنیانگذاری شد،



اهمیت مسأله زکات دو چندان شد. وجه مشترک روزه و حج با صدقه این است که هر دو سبب پالایش روحی میشوند(نک: اعیاد و جشن‌ها).

## ۵. نهادینه کردن ارزش‌های قرآنی

در نهادینه کردن ارزش‌های قرآنی باید به این نکته توجه کرد که رفتار پیامبر در زمینه صدقه دادن، بخشش و ایثار می‌تواند الگو قرار گیرد. گزارش‌ها در مورد صدقه دادن پیامبر حاکی از آن است که با این عمل، پیامبر احتمال وقوع هرگونه واکنش متعصبانه افراطی نسبت به آموزه‌های مذهبی را عقیم کرد. برای مثال در برخی از روایات نیت و اعمال نیکو یا حتی برداشتن و رفع مانعی در مسیر عبور یا کاشتن یک درخت، صدقه شناخته می‌شوند.<sup>[۱۵]</sup> در برخی بیانات پیامبر بر این نکته تأکید شده است که بخشش اندک از طرف فقرا با ارزش‌تر از بخشش زیاد ثروتمندان است. با توجه به اینکه پیامبر سازوکاری جهت جمع‌آوری و پخش صدقات طرح‌ریزی کرده بود، می‌توان چنین برداشت کرد که ایشان در زمان خودشان در پی آن بودند که الگوی رفتاری خاصی را در جامعه نهادینه کنند. بر اساس آیات قرآن عده‌ای از بادیه‌نشین‌هایی که اسلام را پذیرفته بودند، در مورد پرداخت اجباری مبلغی به عنوان صدقات اعتراض می‌کردند(توبه، ۵۹ - ۵۴).<sup>[۱۶]</sup>

«البخاری»، گرد آورنده مجموعه‌ای از روایات پیامبر از نگاه اهل سنت، گزارشی را نقل می‌کند مبنی بر اینکه پیامبر نماینده‌ای را به یمن فرستاد تا از قبایل محلی ساکن یمن که به اسلام گرویده بودند، بخواهد صدقه بدهند. آنها به دنبال وفات محمد[صلی الله علیه و آله و سلم] که یکی از اصحاب نزدیکش به نام ابوبکر رهبری جامعه در حال رشد و تعدادی از قبایل را بر عهده گرفت، از پرداخت صدقه خودداری کردند، به دلیل آنکه گمان می‌کردند که تعهدشان دیگر ملغی است(نک: ارتداد). این عمل به عنوان یک شورش در مقابل مرجع قدرت در مدینه که شورشیان را سرکوب کرده و پرداخت صدقه را دوباره تحمیل کرده بود، به شمار می‌رفت. ابوبکر به صورت علنی پرداخت صدقه را اجباری و وجود آن را لازمه احترام به آئین پیامبر و ادامه رفاه جامعه دانست.

در منابع شیعه هم به نقل از علی[علیه السلام] و چند تن از امامان بعد از او به این مسأله اشاره شده است که می‌بایست زکات به مراجع ذی صلاح تحویل داده می‌شد، چرا که آنها صلاحیت نگهداری زکات و هزینه کردن آن را دارند.<sup>[۱۷]</sup> همان‌طور که جامعه از طریق تغییر و پیروزی توسعه می‌یافت، حاکمان مسلمان و علما به این ارزش‌ها که بقاء جامعه را

به دنبال داشتند، به عنوان عاملی برای هدایت جامعه می‌نگریستند. با اینکه در گذر زمان جهان اسلام به لحاظ جغرافیایی و فرهنگی گسترش زیادی یافت، اما همان الگوهای اندیشه‌ورزی بسط یافتند و شکل حقوقی و علوم الهی به خود گرفتند و به شعائر اجتماعی تبدیل شدند. نگاه به جامعه اسلامی فقط از زاویه مذهبی نبود و از زاویه سیاسی، اجتماعی و اخلاقی به جامعه نگاه می‌شد (نک: جامعه و اجتماع در قرآن). این نگرش سبب شد تا اندیشمندان مسلمان رویکردهای مدونی را با توجه به تمامی حوزه‌های زندگی بشر معرفی نمایند که شامل نهادینه کردن روشی جهت جمع‌آوری و پخش صدقه شد. با مطالعات حقوقی که نسل‌هایی از دانشمندان بعدی انجام دادند، روش‌هایی را برای جمع‌آوری و پخش صدقه تدوین کردند. نویسندگان تلاش کردند تا با معطوف کردن نگاه‌ها به گذشته این آموزه را جزء شعائر پیامبر و رهبران پیشین معرفی نمایند. با چنین تبیین‌های فقهی تمایزی میان صدقه به عنوان یک عمل پسندیده و اختیاری و زکات به عنوان یک وظیفه شکل گرفت.

صدقات می‌بایست به بیت المال - تشکیلاتی که توسط خلیفه‌های پیشین شکل گرفته بود - پرداخت می‌شد. با این وجود دانشمندان فعال در حوزه فقه، مدلی ملموس از نگاه قرآن به صدقه و توزیع آن ارائه دادند. اثر فقیه حنفی «ابویوسف» (وفات: ۱۹۲/۸۰۸)، در مورد مالیات تحت عنوان «کتاب الخراج» در زمان حکومت خلیفه عباسی «هارون الرشید» نمونه آموزنده‌ای از همکاری بین فقها و حکمرانان جهت توسعه و اختصاص شعائری چون صدقه به عنوان بخشی از فعالیت مالی در یک حکومت است. فقیهی چون «شافعی» (وفات: ۲۰۴/۸۲۰) توانست که روش‌های متداول را در اثرش به صورت منطقی و نظام‌مند ارائه دهد. به طور کلی چنین آثاری به بحث در مورد زکات و صدقه در قرآن و نیز مالکیت دارایی‌ها و پول حاصل از کشاورزی می‌پرداختند. آنها در مورد میزان و شخصی که باید به او پرداخت شود، بحث می‌کردند و همچنین به کمترین مقداری که در هر گروه واجب‌الادا بود، اشاره می‌کردند. نکته جالب توجه این است که صدقه شامل منابع زیر زمینی از قبیل مواد معدنی و گنج‌ها می‌شد. آنچه که در این آثار به چشم می‌خورد، این است که سنت صدقه دادن در حال تبدیل شدن به یک وظیفه دینی بود.

لازم به ذکر است که منابعی که سیر تکاملی چنین شعائری را نشان می‌دهند، بر جنبه‌ی اخلاقی عمل تاکید کرده و ماهیت اجباری آن را به یک شاخصه مثبت مذهبی و به دنبال آن دریافت پاداش مرتبط می‌سازند. علاوه بر این آنها صدقه و زکات را به عنوان ابزاری برای

خشنودی خداوند و موجب دریافت پاداش در جهان آخرت می‌دانستند(نک: پاداش و مجازات). در بیان تفاوت بین زکات و صدقه فقها به این نکته اشاره کردند که زکات در یک محدوده خاص بوده و در موارد خاصی به مصرف می‌رسید، در صورتی که چنین محدودیتی برای صدقه وجود نداشت. امام شیعیان [امام] جعفر صادق [علیه السلام] (وفات: ۷۶۵/۱۴۸) بر این نکته تأکید می‌کند که صدقه در راه خدا مصرف می‌شود(نک: سبیل الله) و شامل کارهای نیک بی‌شماری می‌گردد، به طوری که محدوده وسیعی از کمک و دستگیری را شامل می‌شود و گیرنده صدقه محدود به گروه خاصی نیست و می‌توان آن را به افراد تنگدست یا فقرا و یا مساجد داد.<sup>[۱۸]</sup> فقها اکثراً به نقل داستان یوسف در قرآن پرداخته و به این مسأله اشاره می‌کنند که برادران یوسف که وی را شناخته بودند، از وی خواستند که به خانواده هایشان که در تنگدستی موقت قرار گرفته بودند، کمک کند. براساس منابع شیعه علی بن ابی طالب [علیه السلام] و چند تن دیگر از امامان بر این نکته تأکید کردند که صدقه باید به مراجع ذیصلاح پرداخت شود.<sup>[۱۹]</sup> در بین شیعیان دوازده امامی صدقه می‌بایست به امام یا افراد منصوب شده توسط امام پرداخت شود و نحوه هزینه کردن آن هم باید براساس قرآن صورت گیرد. شیعیان همچنین عقیده دارند که در زمان غیبت باید صدقات را به نمایندگان مورد اطمینان پرداخت.<sup>[۲۰]</sup> نقش این نمایندگان این است که باید اطمینان حاصل کنند صدقات به دست دریافت‌کنندگان مستحق رسیده است. اسماعیلیه صدقه را هم یک سنت می‌دانند و هم عمل معنوی مهمی که در آن افراد از دارایی‌ها، استعدادها و دانش خود برای کمک به امام، وارث پیامبر و به طور کلی تمام جامعه استفاده می‌کنند.

## ۶. شرح و نقد

[۱] صدقه چیزی است که انسان از مال خود «قربة إلى الله» می‌دهد و اعم از زکات است. این واژه از ریشه صدق است و علت این تسمیه آن است که بنده با آن صدق عبودیت خود را اظهار می‌کند(قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴/ص ۱۱۶). از منظر اهل تحقیق از لغت، «صدقه» مالی است که بخشش آن به طرف مقابل واجد شرایط مقرر در شریعت باشد(مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۶/ص ۲۶۳).

در حقیقت صدقه شامل هر دو نوع واجب و مستحب می‌شود و زکات نوعی واجب از صدقه است. موارد دیگری نیز از صدقه واجب وجود دارد، مثلاً در باب لقطه که مالی است که انسان می‌یابد و صاحب آن معلوم نیست، پس از تفحص از صاحب آن و یأس از یافتن

وی، آن را یا قیمت آن را صدقه می‌دهد (خمینی، بی‌تا، ج ۳/ ص ۳۹۹). مثال دیگر دادن صدقه، در معنی زکات، برای زمین بایری است که انسان آن را احیا کند و برخی فقها بر اساس روایات دادن آن را لازم می‌دانند (یزدی، ۱۴۰۶، ج ۱/ ص ۲۴۵).

آیات قرآن کریم در باب صدقه چند دسته هستند:

۱. آیاتی که به طور مطلق سخن از صدقه گفته‌اند و هر دو نوع صدقه‌ی واجب و مستحب را شامل می‌شوند. آیه ۱۰۴ سوره مبارکه «توبه» می‌فرماید:

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»  
«آیا مؤمنان هنوز ندانسته‌اند که محققاً خداست که توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقه آنها را قبول می‌فرماید و خداست که بسیار توبه پذیر و بر خلق مهربان است»

صدقه در این آیه اعم است از زکات و غیر آن (جرجانی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۱).

۲. آیاتی که در آنها مراد از صدقه، زکات می‌باشد (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲/ ص ۳۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۵/ ص ۲۹۱؛ طبری، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۳)، همچون آیه ۱۰۳ سوره مبارکه «توبه»:  
«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

«تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا شنوا و دانا است»

شأن نزول آیه مذکور درباره گروهی است که یکی از آنها «لبابه» بود. این گروه به جهت رسیدگی به اموال خود از رفتن به جنگ تبوک تخلف ورزیدند و به دلیل پشیمانی خود را به ستون‌های مسجد بستند. رسول خدا «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» فرمودند:

«آنان را تا دستور نیابم حلال نخواهم کرد»، تا آنکه آیه ۱۱۸ سوره مبارکه «توبه» نازل

شد:

و عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا»:

و بر آن سه تن که از جنگ تبوک باز نهاده شدند (و مردم به دستور پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از آنان بریدند) تا آنکه زمین با همه پهناوری بر آنها تنگ شد و بلکه از خود دل‌تنگ شدند و دانستند که از (غضب) خدا جز به (لطف) او ملجأ و پناهی نیست، پس خدا بر آنها باز لطف فرمود تا توبه کنند.

بررسی مقاله "زکات" از دایرةالمعارف قرآن لیدن ... (سیدعبدالرحیم حسینی و دیگران) ۱۶۱

در این هنگام پیامبر اکرم «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ» آنها را عفو نمود. سپس آنها اموال خود را به پیامبر اکرم دادند تا صدقه بدهد و با این صدقه پاکیزه گردند، اما ایشان امتناع فرمودند تا آیه ۱۰۳ سوره «توبه» نازل شد و ایشان هم زکات واجب را از آنها گرفت (حَلَّى، بی‌تا، ص ۲۶۵).

آیه دیگر آیه ۶۰ سوره مبارکه «توبه» است:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

(مصرف) صدقات منحصرأً مختص است به (این هشت طایفه) فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تألیف قلوب آنها کرد (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام)، آزادی بندگان و قرض‌داران و در راه خدا (یعنی در راه تبلیغ و ترویج دین خدا) و به راه درماندگان. این مصارف هشتگانه فرض و حکم خداست، که خدا دانا و بر تمام مصالح خلق آگاه است

در آیه مذکور نیز موارد مصرف زکات برشمرده شده است و به این قرینه لفظ «صدقات» دلالت بر زکات واجب دارد. بنابراین مفهوم صدقه فراتر از تعریف ارائه شده توسط نویسنده است و موارد مصرف آن نیز محدود به فقرا نمی‌باشد.

[۲] نویسنده سه صورت بخشش از دیدگاه قرآن را تعریف نموده است، در حالی که این سه قسیم یکدیگر نمی‌باشند و مورد اول و دوم اساساً ارتباطی به بخشش و صدقه ندارد. در مورد سوم هم مستندی ارائه نشده است. به ویژه در مورد دوم نویسنده به آیه ۱۱۰ سوره مبارکه «آل عمران» اشاره کرده است، اما این آیه اشاره به برتری اَمّت اسلامی دارد از آن حیث که امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌داده‌اند. آیه مبارکه از همین جهت اَمّت اسلامی را با اهل کتاب مقایسه می‌کند و می‌گوید که اگر اهل کتاب هم اینگونه بودند، برای ایشان بهتر بود.

در این آیه کار خیر مقید به امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و مقصود این است که امر به معروف و نهی از منکر از شأن اَمّت اسلامی است (حَلَّى، بی‌تا، ص ۴۷۳). در کتب فقهی نیز آیه مذکور در باب امر به معروف و نهی از منکر مورد استناد قرار می‌گیرد.

اما برای سخن نویسنده درباره موضوع جمع‌آوری دارایی و پاسخگویی در قبال آن می‌توانیم به آیه ۱۸۰ سوره مبارکه «آل عمران» استناد کنیم که افراد بخیل را ملامت می‌کند

که فقط به فکر مال‌اندوزی هستند و از مال خود با آن که مالک حقیقی آن خدا است، در راه خدا انفاق نمی‌کنند.

[۳] تعالیم و تکالیف دین مبین اسلام اساساً هم جهات معنوی زندگی انسان را در بر می‌گیرد و هم جهات مادی را و در بسیاری موارد مفاهیم اخلاقی و معنوی و مادی در هم تنیده است. به عنوان مثال از صدر اسلام مسجد از یک سو پایگاهی جهت برپایی فریضه نماز بوده است و از سوی دیگر مکانی برای آگاهی مسلمانان از حال یکدیگر و اطلاع از نیازهای برادران دینی و رفع این نیازها بوده است. در همین راستا در دین اسلام هدفی برتر از نظم جهانی، یعنی برقراری عدالت اجتماعی متصور است. در آیه ۲۵ سوره مبارکه «حدید» آمده است:

«لقد أرسلنا رسلنا بالبينات و أنزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط»

صدقه دادن نیز در راستای هدف مذکور می‌باشد و از جمله آثار آن نزدیک کردن دلها، زدودن فقر از جامعه و ایجاد پشتوانه‌ای برای حکومت می‌باشد، به همین دلیل حتی نیت و هدف صدقه‌دهنده مهم است. در آیه ۲۶۴ سوره مبارکه «بقره» می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ»:

«ای اهل ایمان صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید، مانند آنکه مال خود را از روی ریا (و برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد».

[۴] از جمله واژه‌هایی که مفهوم بخشش دارند، واژه «انفاق» از ریشه «نفق» به معنی خروج است. انفاق به معنی اخراج مال است از آن جهت که شخص مال را با انفاق از دست خود خارج می‌کند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷/ص ۹۷؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج ۴/ص ۵۶۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۰، ص ۸۱۹). در آیه ۲۶۵ سوره مبارکه «بقره» که نویسنده به آن اشاره کرده است، می‌فرماید:

«مثل الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَشْبِيهًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»:

مثل آنان که مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر، دل به لطف خدا شاد دارند مثل بوستانی است که در زمین بلندی باشد و بر آن باران زیادی به موقع ببارد و حاصلی دو چندان (که منتظرند) دهد و اگر باران زیاد نیاید، اندک ببارد (تا باز به ثمر رسد) و خدا به (کار شما) بیناست.

در آیه ۲۶۷ همین سوره می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ»:

«ای اهل ایمان، انفاق کنید از بهترین آنچه اندوخته‌اید، و از آنچه برای شما از زمین می‌رویانیم».

برخی منظور از انفاق در این آیه را زکات و برخی صدقه مستحبی دانسته‌اند، اما اکثراً آن را اعم از صدقه واجب و مستحب و بلکه شامل همه انواع انفاق و کارهای خیر می‌دانند. گاهی قرآن خروج مال واجب را هم با واژه انفاق بیان می‌کند. در مورد پرداخت نفقه زوجه، در صورت وقوع طلاق در دوران بارداری، آیه ۶ سوره مبارکه «طلاق» می‌گوید:

«وإن كنَّ أولاتٍ حملٍ فأنفقوا عليهنَّ حتى يضعنَّ حملهنَّ»

واژه دیگر «خیر» است. خیر در لغت به معنی چیزی است که همه به آن رغبت کنند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴ ص ۲۶۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶ ص ۳۸۱؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲ ص ۳۱۷). در آیه ۲۱۵ سوره مبارکه «بقره» آمده است:

«يسئلونك ماذا ينفقون قل ما أنفقتم من خير فلولوالدين والأقربين واليتامى والمساكين وابن السبيل وما فعلوا من خير فإنَّ الله به عليم»

«عمرو بن جموح» که پیرمردی ثروتمند بود، از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» پرسید: چه چیز و به چه کسانی صدقه بدهم؟، آیه مذکور نازل شد. این آیه هم شامل صدقه واجب می‌شود و هم صدقه مستحب (حلی، بی‌تا، ص ۲۸۵؛ شهابی خراسانی، ۱۴۱۷، ج ۲ ص ۴۸؛ راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱ ص ۲۴۰؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۹۸). در آیات ۲۷۲ و ۲۷۳ سوره «بقره» نیز واژه «خیر» به همراه انفاق آمده است.

واژه دیگر «قرض الحسنه» است. آیه ۱۱ سوره مبارکه «حدید» می‌فرماید:

«من ذا الَّذی یقرضُ الله قرضاً حسناً فیضاعفه و له أجر کریم»

روزی پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «هرکس که صدقه‌ای بدهد دو برابر آن در بهشت خواهد داشت». «ابو الدحداح انصاری» پرسید: «ای رسول خدا من دو باغ دارم که اگر یکی را صدقه بدهم دو برابر آن در بهشت خواهم داشت؟»، فرمود: «آری». ابو الدحداح پرسید: «ام الدحداح نیز با من خواهد بود؟»، فرمود: «آری». پرسید: «آیا فرزندانم نیز با من خواهند بود؟»، فرمود: «آری». سپس باغی را که بهتر بود به عنوان صدقه به پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» داد. آنگاه این آیه نازل شد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۲ ص ۲۲۴-۲۲۶).

این آیه نشان می‌دهد که تعبیر «قرضاً حسناً» اشاره به دادن صدقه دارد و از صدقه به عنوان استقراض خداوند از بنده‌اش آن هم با سود فراوان یاد شده است. واژه «اطعام» نیز در معنی صدقه‌دادن آمده است. در آیات ۸ و ۹ سوره مبارکه «انسان» آمده است:

«وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لَوْجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»

حضرت علی «علیه السلام» و خانواده ایشان سه روز متوالی در حالی که روز را روزه دار بودند، طعام خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند. در این آیه از آن‌چه آنها به عنوان صدقه دادند، تعبیر به اطعام شده است، چرا که طعام خود را صدقه دادند.

## ۷. صدقه

[۵] چنانچه در توضیح معنی «صدقه» آمد، صدقه از ریشه «صدق» است و تصدق هم که به معنی دادن صدقه است، نشانه صدق عبودیت است. «صِدْقَةٌ» به معنی مهریه زن از همین ریشه است، زیرا زوج با دادن مهر، صدق احترام به زن یا صدق دستور خدا را ظاهر می‌کند. واژه «الصَّدِيق» نیز که نویسنده آورده است، به معنی «پیوسته راستگو» است، یعنی کسی که در قول و عقیده راست است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴/۱۱۷). بنابراین «الصَّدِيق» ارتباط معنایی با صدقه دادن ندارد، بلکه همچون کلمات دیگر که گفته شد، در ریشه با آن مشترک است.

[۶] در آیه ۱۹۶ سوره مبارکه «بقره» که نویسنده به آن استناد کرده است، می‌فرماید:

«وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى فَفَدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ...»:

«و همه اعمال حج و عمره را برای خدا به پایان برسانید، و اگر ترس و منعی پیش آید قربانی کنید به آنچه مقدور و میسر است، و سر تراشید تا آنگاه که قربانی شما به محل ذبح برسد. و هر کس بیمار باشد یا سردرد بر او عارض شود (سر بتراشد) و از آن فدا دهد به روزه داشتن یا صدقه دادن یا کشتن گوسفند...»

اتمام حج یعنی حج و عمره را با تمام اجزا و رعایت کیفیت آنها به جای آورد. در صورتی که بیماری مانع ادامه حج شود، باید قربانی خود را بفرستد تا در قربانگاه ذبح شود و سر خود را نباید بتراشد، چون تراشیدن سر لازمه محل شدن است، در حالی که تا رسیدن



بررسی مقاله "زکات" از دایرةالمعارف قرآن لیدن ... (سیدعبدالرحیم حسینی و دیگران) ۱۶۵

قربانی به محل خود نباید محل شود، مگر به دلیل بیماری یا دلیل دیگر مثل سردرد نیاز به تراشیدن سر باشد که در آن صورت سر را می تراشد، ولی فدیة می دهد. فدیة یکی از سه چیز است: سه روز روزه بگیرد، یا شش مسکین را با شرایط گفته شده طعام (صدقه) دهد یا یک گوسفند ذبح کند (حلی، بی تا، ص ۳۲۵). این طعام یا صدقه به مسکین صدقه‌ای واجب است، هر چند واجب تخییری می باشد.

[۷] دو آیه مورد استناد نویسنده یکی آیه ۷۹ سوره مبارکه «توبه» است و دیگری آیه ۲۶۳ سوره مبارکه «بقره» است. در آیه اول می فرماید:

«الَّذِينَ يَلْمُزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِي لَا يَجِدُونَ إِلَّا جَهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»:

«آن کسانی که عیبجویی می کنند بر آن مؤمنانی که صدقات مستحب فقیران را دستگیری می کنند و همچنین مسخره می کنند مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آنهاست هم (در راه خدا) مضایقه می کنند خدا هم آنها را البته مسخره و مجازات می کند و به آنها عذابی دردناک خواهد رسید».

در آیه ۲۶۳ سوره مبارکه «بقره» آمده است:

«قول معروف و مغفرة خیر من صدقة يتبعها أذى»:

«(فقیر سائل را به) زبان خوش و طلب آمرزش (رد کردن) بهتر است از صدقه‌ای که پی آن آزار کنند».

این دو آیه بر خلاف گفته‌ی نویسنده، ارتباطی به مصادیق صدقه ندارد بلکه در کیفیت صدقه دادن است. آیه اول در مذمت کسانی است که صدقه‌دهندگان را مورد عیبجویی و تمسخر قرار می دهند، به ویژه صدقه‌دهندگانی که ثروت و مال زیادی ندارند تا صدقه بدهند. آیه دوم درباره مذمت صدقه‌دهندگانی است که صدقه آنها همراه با آزار و اذیت می باشد. بعد از آنکه آیه صدقه نازل شد، مردی صدقه بسیار آورد. منافقین گفتند که چه خودنمایی می کند. مردی هم صدقه ناچیزی آورد، گفتند خدا چه احتیاجی به این زکات ناچیز دارد. به دنبال آن آیه ۷۹ سوره مبارکه «توبه» نازل شد (عاملی، بی تا، ص ۴۲۸؛ قمی، ۱۳۶۸، ج ۲/ ص ۴۳۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۴/ ص ۵۱).

در آیه دوم منظور از «معروف» آن است که در مقابل سائل و فقیر، سخن متعارف و زبان خوش بهتر از صدقه‌ی همراه با اذیت می باشد (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۶/ ص ۴۵). حتی رد کردن سائل باید به زبان خوش باشد مثل آنکه برای رفع نیاز او دعا کند.

[۸] در آیه ۲۷۱ سوره مبارکه «بقره» آمده است:

«إِن تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ وَ إِن تَخْفَوْهَا وَ تَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءُ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْلَمُونَ خَبِيرٌ»:

«اگر (به مستحقان) آشکارا صدقه دهید کاری نیکوست، لیکن اگر پنهانی به فقیران (آبرومند) رسانید برای شما نیکوتر است و خدا (به پاداش آن) برخی از گناهان شما را محو و مستور دارد و خداوند از (آشکارا و نهان) آنچه می‌کنید».

شهید ثانی می‌فرماید:

صدقه پنهانی افضل است به دلیل نص کتاب (آیه بالا) و سنت، مگر آنکه متهم شود به ترک صدقه که در این صورت علنی دادن افضل است، زیرا خود صدقه دادن امری مطلوب است حتی برای معصوم و اگر بخواهد مردم را به این کار هدایت کند، اظهار آن افضل است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ص ۱۹۲).

شهید ثانی حدیثی از «وسائل» را به عنوان دلیلی از سنت آورده است:

«صَدَقَةُ السَّرِّ تَطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ» (حرر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۳۹۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ص ۸، حدیث ۳).

از طرفی تعبیر «الصدقات» در آیه مذکور جمع معرف به «ال» است و افاده عموم می‌کند و نیز بدون قید آمده است، لذا به معنی مطلق انفاق است چه واجب و چه مستحب. در روایتی از امام صادق «علیه السلام» آمده است:

«منظور از «إِن تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ» زکات واجب است اما در «وَ إِن تَخْفَوْهَا وَ تَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءُ» منظور صدقه مستحب است» (حرر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۳۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ص ۸، حدیث ۳).

علامه طباطبایی در «المیزان» می‌فرماید:

صدقه آشکار تشویق و دعوت به کار نیک است و نیز مایه دلگرمی فقرا و مساکین است، اما صدقه پنهانی از آن جهت نیکو است که از منت و اذیت و نیز ریا دور است، چون صدقه‌دهنده فقیر را نمی‌شناسد که بر او منت بگذارد و نیز از آن جهت نیکو است که آبروی فقیر محفوظ می‌ماند. پس صدقه علنی نتایج بیشتری دارد، ولی صدقه پنهانی خالصانه‌تر انجام می‌شود به همین دلیل آیه مذکور هر دو را خوب می‌داند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰۹).

[۹] در آیه ۲۶۴ سوره مبارکه «بقره» آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»:

«ای اهل ایمان، صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید مانند آن که مال خود را از روی ریا (برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد». این آیه بر خلاف آنچه نویسنده می گوید، سخنی از خودخواهی به میان نیاورده است، بلکه منت و اذیت را باعث باطل شدن صدقه می داند. همچنین کسی را که با منت و اذیت صدقه می دهد، شبیه به کسی می داند که با ریاکاری صدقه می دهد در حالی که فرد مؤمن ریا نمی کند.

[۱۰] در آیه ۱۲ سوره مبارکه «مجادله» می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدَّمُوا بَيْنَ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَةَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرٌ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»:

ای اهل ایمان، هرگاه بخواهید با رسول سخن سری گوید (یا سوالی کنید) پیش از این کار باید صدقه دهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه تر است (که شما را از سوالات بی جا برکنار و از بخل و لثامت پاک می گرداند) و اگر (از فقر) چیزی (برای صدقه) نیابید در این صورت خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

ثروتمندان با پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» زیاد نجوی می کردند و این کار را نوعی امتیاز می دانستند و می خواستند خود را از خواص نزدیک به پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» نشان دهند. فقرا از این رفتار آنها رنجیده خاطر شدند و به همین دلیل این آیه نازل شد و دستور رسید که هرگاه خواستند با پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» نجوی کنند ابتدا صدقه دهند تا کینه ها و کدورت ها از بین برود (طباطبایی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۲۸).

[۱۱] آیه ۶۰ سوره مبارکه «توبه» می فرماید:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»:

(مصرف صدقات منحصرأً مختص است به (این هشت طایفه): فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تألیف قلوب آنها کرد (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام) و آزادی بندگان و قرض داران و در راه خدا (یعنی در راه تبلیغ

و رواج دین خدا) و به راه درماندگان. این مصارف هشتگانه فرض و حکم خداست، که خدا دانا و بر تمام مصالح خلق آگاه است.

این آیه درباره موارد مصرف زکات است. چنانچه آیه قبل از آیه مذکور اشاره می‌کند، منافقین انتقاد می‌کردند که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» زکات را به هر کس که دوست دارد می‌دهد. این آیه نازل شد و موارد مصرف زکات را دقیقاً بیان داشت. بر طبق این آیه مستحقین زکات هشت گروه هستند.

گروه اول و دوم فقرا و مساکین هستند که برخی این دو گروه را متفاوت و برخی یکی می‌دانند. فقهای شیعی و همچنین فقهای شافعی و حنفی عقیده به تفاوت این دو دارند (حلی، بی تا، ص ۲۷۱). البته برخی فقهای شیعه این دو گروه را یک صنف و در نتیجه مستحقین زکات را هفت گروه می‌دانند (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۹۸). علامه طباطبایی عقیده دارد که هر دو گروه متصف به امر عدمی هستند، یعنی نداشتن مالی برای تأمین هزینه‌های زندگی، اما مسکین دچار ذلت و مسکنت هم می‌باشند، یعنی فقر او به حدی است که مجبور می‌شود دست پیش دیگران دراز کند و لذا وضع او بدتر از فقیر است (طباطبایی، بی تا، ج ۹، ص ۴۱۷).

گروه سوم، «و العالمین علیها»، کسانی هستند که مسئول جمع‌آوری و تحصیل زکات هستند. گروه بعدی، «المؤلفه قلوبهم»، مشرکانی هستند که بزرگان قوم خود بودند و پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» سهمی از زکات را به آنها می‌داد تا دل‌های آنها نسبت به اسلام نرم گردد. «و فی الرقاب» به معنی آن است که بخشی از زکات برای آزاد کردن برده‌ها به مصرف می‌رسد. گروه پنجم، «غارمون»، یعنی کسانی که زیر بار دین هستند و قرض را هم در راه معصیت خدا مصرف نکرده باشند. «و فی سبیل الله» اشاره به مصرف زکات در راه گسترش و تقویت اسلام دارد، مثل جهاد، تبلیغ و ساختن مسجد. گاهی مواردی مثل برپاداشتن تحصیل علم و ساختن مدرسه برای تحصیل علوم دینی را نیز مصداق «فی سبیل الله» دانسته‌اند (گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱/ ص ۱۷۴؛ یزدی، ۱۴۱۵، ص ۹۹). گروه هشتم یعنی «ابن السبیل»، کسانی هستند که در غربت یا سفر درمانده‌اند و به علتی نیازمند هستند، هر چند در وطن خود غنی بوده باشند (کاشانی، ۱۴۲۹، ص ۱۷؛ حلی، بی تا، ص ۲۷۶).

[۱۲] نویسنده به آیه ۲۷۳ سوره مبارکه «بقره» استناد کرده است:

بررسی مقاله "زکات" از دایرةالمعارف قرآن لیدن ... (سیدعبدالرحیم حسینی و دیگران) ۱۶۹

«اللفقراء الذين أحصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضرباً في الأرض يحسبهم الجاهل أغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسئلون الناس إلحافاً و ما تتفقوا من خير فإن الله به عليم»

منظور آیه کسانی هستند که چون خود را برای جنگ و جهاد اختصاص داده‌اند، از کسب و کار باز مانده‌اند نه این که به خاطر بیماری یا ترس از کار در مانده شده باشند. نویسنده به این نکته مهم اشاره نکرده است که این افراد در عین حال به جهت خویشتن‌داری از درخواست امتناع می‌کنند و لذا دیگران آنها را نمی‌شناسند، بلکه از نشانه‌هایی مثل رنگ چهره و ضعف جسمانی شناخته می‌شوند.

برخی گفته‌اند حتی فردی که کاری مثل تحصیل علم را انتخاب کرده است و نمی‌تواند به کسب و کار پردازد، مشمول این آیه می‌باشد (طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۶۱۳).

## ۸. زکات

[۱۳] زکات از مصدر «زکو» و «زکاء» به معنی پاکی و پاکیزگی است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۶۸) و وجه تسمیه آن، این است که زکات سبب پاکی و تصفیه مال می‌شود (این منظور، ۱۴۱۴، ص ۳۵۸). لذا بر خلاف سخن نویسنده، «زکی» ریشه زکات نمی‌باشد، بلکه فعل آن است که هم بر نماء و زیادی و هم بر طهارت دلالت دارد، به دلیل آیه «خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزكئهم بها» (أبو الحسين، ۱۴۰۴، ص ۱۷).

[۱۴] منظور نویسنده آیه ۱۷۷ سوره مبارکه «بقره» می‌باشد:

ليس البرّ أن تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب و لكن البرّ من آمن بالله و اليوم الآخر و الملائكة و الكتاب و النبيين و آتى المال على حبه ذوى اليتامى و المساكين و ابن السبيل و السائلين و فى الرقاب و أقام الصلوة و آتى الزكاة و الموفون بعهدهم إذا عاهدوا...

خطاب آیه به اهل کتاب می‌باشد که هنگامی که قبله تغییر یافت، هر گروهی ادعا می‌کرد که کار نیک توجه به سوی قبله آنها است. این آیه بیان می‌دارد که نیکی منحصر به موضوع قبله نمی‌باشد و یکی از مصادیق نیکی بیرون نمودن بخشی از مال است با وجود علاقه‌ای که انسان به مال خود دارد. به عبارت دیگر آیه اشاره به این مطلب هم دارد که دادن زکات می‌تواند برای انسان کاری دشوار باشد و لذا مصداق نیکی کردن می‌باشد.

## ۹. نهادینه کردن ارزش‌های قرآنی

[۱۵] از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» روایت شده است که مسلمان باید هر روز صدقه بدهد. در پاسخ سؤال از چگونگی آن فرمود: «برداشتن مانع از سر راه، راهنمایی و هدایت کسی در راه، عیادت مریض، امر به معروف و نهی از منکر و جواب سلام صدقه است» (اصفهانی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۴).

[۱۶] آیات ۵۴ تا ۵۹ سوره «توبه» به پذیرفته نشدن انفاق منافقین و تعلیل آن می‌پردازد. در این آیات آمده است که انفاق منافقین به علت کفر آنها و نیز خواندن نماز از روی کسالت، پذیرفته نمی‌شود. همچنین در آیات مذکور اعتراض منافقین مطرح شده است. منافقین هرگاه پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» به دلیل عدم استحقاق یا دلیلی دیگر چیزی از صدقات به آنها نمی‌داد، اعتراض می‌کردند. اگر پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» از صدقات به آنها می‌داد، آن را عدل می‌دانستند و اگر چیزی به آنها نمی‌داد، خشمگین می‌شدند (راوندی، ۱۴۰۵، ص ۲۲۳).

در مورد شأن نزول آیه ۵۸ گفته‌اند که هنگامی که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» مشغول تقسیم اموال بودند، یکی از طایفه «بنی تمیم» به نام «ذو الخویصره» رسید و گفت: «ای رسول خدا عدالت کن». پیامبر فرمود: «وای بر تو اگر عدالت نکنم پس چه کسی عدالت خواهد کرد؟». این آیات نازل شد و به این افراد هشدار داد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۵۴).

بنابراین برخلاف سخن نویسنده، این آیات نه درباره اعتراض به دادن زکات، بلکه درباره اکراه منافقین در دادن زکات و عدم پذیرش انفاق آنان و نیز اعتراض آنها به نحوه تقسیم و توزیع زکات توسط پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» بوده است.

[۱۷] به دلیل وجود صیغه امر «خذ» در آیه «خذ من أموالهم صدقه» که دلالت بر وجوب دارد، گرفتن صدقه بر امام واجب است. بنابراین امام علاوه بر صلاحیت نگهداری و مصرف زکات، صلاحیت اخذ آن را نیز دارد. حتی برخی گفته‌اند که بر خود صدقه‌دهنده واجب است که صدقه را به امام برساند، چون لازمه وجوب اخذ بر امام آن است که صدقه به امام رسانده شود (حلی، بی‌تا، ص ۲۶۴).

[۱۸] بحث تفاوت‌های میان صدقه و زکات و نیز مصارف صدقه که در این بخش آمده است، بهتر بود در بحث مفهوم‌شناسی در ابتدای مقاله آورده می‌شد.

[۱۹] این مطلب عیناً در بخش قبلی مقاله، در ذیل عنوان «نهادینه کردن ارزش‌های قرآنی» در پاراگراف آخر آمده است و نویسنده آن را تکرار کرده است.

[۲۰] وجوب امام مشروط به اخذ امام نیست، چون زکات و خمس حقوق مالی هستند و وظیفه هر مؤمن ادای آن است. بنابراین امر به رسول اکرم «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» نه به جهت شخص ایشان، بلکه از جهت حکومت اسلامی می‌باشد و حکومت هم پس از ایشان به ائمه معصومین «علیهم السلام» می‌رسد و در زمان غیبت فقهای شیعه عهده‌دار این امر هستند. نظر قوی آن است که «عاملین»، یعنی افراد عهده‌دار جمع آوری زکات، در زمان غیبت هم هستند و احوط آن است که در زمان غیبت زکات را به فقیه بدهند (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۱ و ۶۳).

#### ۱۰. نتیجه‌گیری

هرچند نویسنده کوشش نموده است ابعاد گوناگونی از حکم شرعی زکات را به عنوان یکی از قوانین مسلم شرعی مورد توجه قرار داده، در مقاله‌ای کوتاه مسائل دامنهدار این قانون دینی را فراهم آورد، اما تلاش وی به لحاظ شکلی و محتوایی دارای ایرادها و اشکالات اساسی است و از جهات مختلف محل نقد و نظر است، و اینهمه ناشی از شتابزدگی در تدوین مقاله و نبود تمخّص بر بعضی مسائل از یک سو و عدم اطلاع نویسنده از منابع دست اول پیرامون زکات از سوی دیگر است. از اینرو، به رغم استنتاجات نویسنده، باید گفته شود، اولاً: زکات همانگونه که در مواردی یک حکم استجابی و اختیاری است، در موارد بسیاری از واجبات مسلم اسلامی میان فریقین به شمار می‌آید؛ ثانیاً: براساس آیات قرآنی و نصوص دینی برای تحقق زکات به همان میزان که فعل مادی و جوارحی انسان کارساز است، به همان مقدار یا بیشتر نیت و قصد قربت نیز موضوعیت دارد؛ ثالثاً: زکات حکمی مختص یک مقطع تاریخی نبوده و همانگونه که در آغازین سده‌های جامعه اسلامی مورد تأکید بوده، در اعصار بعدی و اکنون یک واجب مؤکّد است؛ رابعاً: پرداخت زکات اعم از استجابی و واجب، نیازمند رعایت شرایطی است که لازم است براساس مقاصد شریعت اسلامی و با تأکید بر نصوص قرآنی و حدیثی بازتعریف گردد.

## کتاب‌نامه

- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع؛ دار صادر.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). **معجم مقانیس اللغة**. قم: بی‌نا.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). **روض الجنان فی تفسیر القرآن**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اصفهان‌ی، محمد باقر (۱۴۱۰ق). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام**. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). **صراه النجاة (محشی)**. قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- جرجانی، سید امیر ابوالفتح حسینی (۱۴۰۴ق). **تفسیر شاه‌ی**. تهران: بی‌نا.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). **تاج اللغة و صحاح العربیة**. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعة**. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.
- حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری (بی‌تا). **کنز العرفان فی فقه القرآن**. ترجمه: عبد الرحیم عقیقی بخشایشی، قم: بی‌نا.
- خمینی، سیدروح‌الله موسوی (بی‌تا). **تحریر الوسیله**. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۵ق). **تحریر الوسیله (ترجمه)**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- راغب اصفهان‌ی، حسین بن محمد (۱۴۱۰ق). **المفردات فی غریب القرآن**. سوریه: الدار الشامیة.
- راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۵ق). **فقه القرآن**. قم: مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی.
- زیبیدی، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دارالفکر.
- شهابی خراسانی، محمود (۱۴۱۷ق). **ادوار فقه**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- شهید ثانی (۱۴۱۰ق). **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**. بی‌جا: منشورات جامعه النجف‌الدینیة.
- طباطبایی، سید محمد حسین (بی‌تا). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفه.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، ابراهیم (بی‌تا). **تفسیر عاملی**. تهران: کتابخانه صدوق.
- عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق). **الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز**. قم: دار القرآن الکریم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). **قاموس قرآن**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.



بررسی مقاله "زکات" از دایرةالمعارف قرآن لیدن ... (سیدعبدالرحیم حسینی و دیگران) ۱۷۳

قمی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ق). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

کاشانی، محمد محسن فیض (۱۴۲۹ق). رسائل فیض کاشانی. تهران: بی نا.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

گیلانی، ابوالقاسم میرزای قمی (۱۴۱۳ق). جامع الشتات فی أجوبة السؤالات. تهران: مؤسسه کیهان.

محمودی، محمد رضا (۱۴۲۹ق). مناسک حج (محشی). تهران: بی نا.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دارالکتب العلمیة.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زبدة البیان. تهران: المكتبة الجعفریة.

مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل (تفسیر نمونه). بی جا: بی نا.

یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۱۵ق). سؤال و جواب (للسید یزدی). تهران: مرکز النشر العلوم الإسلامی.

یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶ق). قواعد فقهی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

Jane Dammen McAuliffe, Encyclopedia of the Quran, Leiden: Brill, 2001-2006

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی